



«مردم لوگر در تهیه اسناد و مدارک بدرفتاری جنسی با دانش آموزان همکاری کنند»

دادستانی کل کشور از مردم ولایت لوگر، رسانه‌ها و نهادهای مدنی خواسته است تا در صورتی که در مورد ادعای بدرفتاری جنسی با دانش آموزان در لوگر اسنادی داشته باشند، آن را به این اداره ارایه کنند. در اعلامیه دادستانی کل که دیروز (شنبه، ۱۴ جدی) منتشر شده، آمده است که هیأت حقیقت‌یاب در این زمینه به برخی اسناد دست یافته است، اما نیاز است که مردم ولایت لوگر نیز با ارایه اسناد بیشتر هیأت موظف را همکاری کنند. در اعلامیه آمده است: «لوی سارنوالی/دادستانی کل به منظور تأمین عدالت و حاکمیت قانون، به گونه‌ی جدی به تحقیقات بیشتر و دقیق‌تر در این زمینه ادامه می‌دهد و از تمام مردم شریف ولایت لوگر، رسانه‌ها و نهادهای مدنی می‌خواهد تا با شریک ساختن اسناد و مدارک با هیأت تحقیقاتی موظف، این اداره را همکاری نمایند».

دادستانی کل افزوده است که هر کسی که در این زمینه اسناد و مدارک داشته باشد، می‌تواند آن را از طریق شماره ارتباطی ۱۸۰ در اختیار هیأت موظف قرار بدهد. این اداره تأکید کرده است که هویت شخص اطلاع‌دهنده براساس احکام قانون محفوظ خواهد بود. دادستانی کل اطمینان داده است که ادعای بدرفتاری جنسی با دانش آموزان در لوگر را به گونه‌ی عادلانه و منصفانه در پروتوکل احکام قانون بررسی و نتایج آن را در «حدود احکام قانون» با مردم در میان می‌گذارد.

تصمیم امریکاییان برای اعزام ۳۰۰۰ نیروی جدید نظامی به شرق میانه

به نقل از دوپچه‌وله؛ مقام‌های امریکایی از اعزام ۳۰۰۰ نیروی تازه‌نفس نظامی به شرق میانه خبر داده‌اند. گفته می‌شود اداره ترامپ می‌خواهد نیروهایش در شرق میانه را در برابر تهدیدهای احتمالی تقویت کند. در پی کشته شدن جنرال قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در عراق به دستور رئیس جمهور ترامپ، گمانه‌زنی‌ها در مورد احتمال افزایش تنش‌ها در شرق میانه بیشتر شده است. اکنون مقام‌های پنتاگون، گفته‌اند که واشنگتن ۳۰۰۰ نیروی تازه نظامی را به این منطقه اعزام می‌کند تا حضور نیروهایش را بیشتر تقویت کند.

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا یک لوی اردوی این کشور را در ایتالیا در حال آماده باش قرار داده تا در صورت لزوم به لبنان پرواز کرده و به عنوان بخشی از مأموریت حفاظت از منافع ایالات متحده در شرق میانه از سفارت این کشور در آن‌جا محافظت کند. مقام‌های پنتاگون که به شرط پنهان ماندن هویت‌شان در این مورد با خبرگزاری اسوشیتدپرس صحبت کرده‌اند، می‌گویند تاکنون این تصمیم از سوی وزارت دفاع ایالات متحده اعلام نشده، ولی این سربازان بخشی از نیروی هوایی و زمینی فرقه ۸۲ در فورت براگ ایالت کارولینای شمالی هستند. به نقل از خبرگزاری اسوشیتدپرس، قرار است این سه هزار نیروی ارتش ایالات متحده آمریکا به ۷۰۰ سربازی بپیوندند که اوایل این هفته به دنبال حمله معترضان عراقی به سفارت این کشور در بغداد، عازم کویت شدند.

زلمی خلیل‌زاد برای دانستن تصمیم نهایی طالبان بار دیگر به قطر می‌رود

به گزارش آریانا‌نوز؛ یک منبع معتبر از سفارت آمریکا در کابل می‌گوید که آمریکا می‌خواهد بداند که آیا طالبان بخطر امضای توافق نامه صلح، خشونت‌ها را کاهش می‌دهند یا خیر و از همین روزهای خلیل‌زاد، فرستاده ویژه ایالات متحده به افغانستان بار دیگر به قطر می‌رود تا تصمیم نهایی طالبان را در این مورد بداند.

عبدالشکور مطمئن، رئیس کمیته ملی المپیک رژیم طالبان، در این باره می‌گوید که نشواری نظامی طالبان با کاهش خشونت‌ها موافقت کرده و قرار است هم‌زمان با سفر خلیل‌زاد به قطر مذاکرات از سر گرفته شود و توافق نامه صلح امضا گردد. آتش بس فرآیند که خواست حکومت افغانستان است، تا این جای کار محور مشوره‌های طالبان نبوده است. کاهش خشونت‌ها هم به گونه‌ای است، که هم‌زمان با امضای توافق نامه صلح، حملات بر شهرهای بزرگ، بزرگ راه‌ها و اماکن پرجمعیت غیرنظامی کاهش یابد. ناحیه انوری، سخن گوی وزارت دولت در امور صلح، می‌گوید که آن‌ها روی تحکیم و تقویت اجماع ملی و بین‌المللی درباره صلح کار می‌کنند.

رئیس جمهور به عدم استفاده از خاک افغانستان علیه کشور سوم تأکید کرده است

ارگ ریاست جمهوری کشور اعلام کرده است که رئیس‌جمهور اشرف غنی در یک صحبت تلفنی با مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا بر عدم استفاده از خاک افغانستان علیه کشور سوم و منازعه‌های دیگر منطوقی تأکید کرده است. ارگ ریاست جمهوری شب (جمعه، ۱۳ جدی) با نشر اعلامیه‌ای گفته است که «جمهوری اسلامی افغانستان» با آگاهی از حوادث اخیر در عراق از احتمال افزایش خشونت در منطقه نگران است. در اعلامیه هم‌چنان گفته شده است: «دولت جمهوری اسلامی افغانستان به ملت شریف افغانستان و تمامی همسایه‌های خود اطمینان می‌دهد که در مطابقت با مندرجات توافق امنیتی با ایالات متحده آمریکا، خاک افغانستان در هیچ حالت علیه هیچ کشور خارجی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد».

در اعلامیه به نقل از آقای غنی آمده است: «از همسایه‌ی خویش جمهوری اسلامی ایران که با ما مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و فرهنگی گسترده دارد و از ایالات متحده آمریکا که شریک استراتژیک و بنیادین افغانستان است تمنا داریم که از افزایش تنش‌ها جلوگیری نموده و امید بر آن داریم که هر دو طرف اختلاف‌های پیش آمده را از طریق گفت‌وگو حل نمایند».

در اعلامیه‌ی ارگ ریاست جمهوری هم‌چنان تأکید شده است که افغانستان تحولات منطقه را با دقت تعقیب می‌کند و متعهد به حفظ و گسترش روابط حسنه‌ی دوجانبه و چندین جانبه‌اش با تمامی کشورهای منطقه و جهان می‌باشد. این در حالی است که قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بامداد روز جمعه در یک حمله هوایی در فرودگاه بغداد کشته شد. این حمله از سوی آمریکا انجام شده که کاروان موترهای حامل او و فرماندهان گروه حشد الشعبی را هدف قرار داده است.

گفت‌وگوهای صلح؛ پروسه‌ی استوار بر خوشبینی‌ها و احتمالات



© picture-alliance/AP Photo/Qatar Ministry of Foreign Affairs

صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری؛ پروسه‌ی جنجالی و پر ماجرا



صفحه ۱

«چگونگی فرستادن قوای نظامی اتحاد شوروی به افغانستان»



صفحه ۱

آیا حکومت آینده از مجرای انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان تشکیل می‌شود؟



صفحه ۱

نشست مجلس نمایندگان به دلیل غیرحاضری نمایندگان بی نتیجه ماند

در همین حال شماری از نمایندگان مجلس که در نشست دیروز حاضر بودند از رییس این مجلس خواستند که ماده‌ی ۱۲۹ اصول وظایف داخلی را بالای نمایندگان غیرحاضر تطبیق کند. این ماده حکم می‌کند؛ نماینده‌ی

که بیش از هفت روز غیرحاضری کنند، کسر معاش و اسم‌اش در رسانه‌ها نشر می‌شود. نماینده‌ای که بیش از ۲۰ روز غیرحاضری کند، امتیازاتش قطع می‌شود و هم‌چنان نماینده‌ای که بیش از ۴۴ روز غیرحاضری کند وظیفه‌اش تعلیق می‌شود.

سرانجام آقای رحمانی از هیأت اداری مجلس نمایندگان خواست، که حاضری نمایندگان را بررسی و فهرست نمایندگان غیرحاضر را دسته‌بندی کند تا اصول وظایف داخلی بر آنان تطبیق شود.

شود. رییس مجلس نمایندگان تأکید کرد که روز گذشته به دارالانشای مجلس دستور داده تا از نمایندگان بخواهند که در نشست امروز حاضر باشند، اما با آن‌هم در نشست امروز تنها ۶۵ نماینده حاضر شده‌اند.

روز چهارشنبه هفته‌ی گذشته نیز نشست مجلس به دلیل تکمیل‌نشدن نصاب بدون نتیجه پایان یافته بود. آقای رحمانی در نشست دیروز تأکید کرد، که به دلیل غیرحاضر بودن نمایندگان، مجلس در دو نشست پی‌هم نتوانسته است در مورد آجنداهای مهم‌اش تصمیم بگیرد. عرفان‌الله

عرفان، نایب منشی مجلس نمایندگان نیز گفت، که شماری از نمایندگان با گذاشتن رقعہ رخصتی و مرضی مجلس را به چالش می‌کشند. به گفته‌ی او، در نشست دیروز تنها ۵۰ نماینده رقعہ‌ی مرضی و رخصتی گذاشته‌اند.

به نقل از اطلاعات روز، نشست عمومی دیروز (شنبه، ۱۴ جدی) مجلس نمایندگان به دلیل غیرحاضر بودن اکثریت نمایندگان با وجود چندین آجندا برای رأی‌گیری، بدون نتیجه پایان یافت. میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان در نشست عمومی این مجلس گفت که از مجموع ۲۴۸ نماینده تنها ۶۵ نماینده در نشست امروز حاضر شده و ۱۸۳ نماینده‌ی دیگر به شمول رییسان ده کمیسیون غیرحاضر هستند.

آقای رحمانی با انتقاد از غیرحاضری بخش زیادی از اعضای مجلس، گفت که شش موضوع به‌ویژه دو موضوع مهم که شامل موافقت‌نامه‌ی قرضه از عربستان سعودی است نیاز به تأیید مجلس دارد. او افزود که این دو موضوع باید پس از تأیید مجلس شامل سند بودجه



کپ مردم

آیا حکومت آینده از مجرای انتخابات ریاست جمهوری ششم میزان تشکیل می‌شود؟

در چند ماه گذشته، بارها قوانین، طرزالعمل‌ها و لوائح مرتبط به انتخابات از سوی نهادهای انتخاباتی نقض شده است. اکنون سررشته‌ی کار در دست کمیسیون شکایات انتخاباتی است. گمانه‌زنی‌ها بر این است، که در ادامه‌ی راه، جریان کار کمیسیون رسیدگی به شکایات نیز مسئله‌ساز شده و تنش‌های سیاسی برسر نتیجه‌ی نهایی انتخابات بیشتر خواهد شد. برای توضیح بیشتر این فرضیه، در ادامه به سه نکته اشاره می‌شود.

یکم: براساس ماده‌ی ۹۱ قانون انتخابات، شکایات‌ها باید در خلال ۱۵ روز کاری بعد از ختم زمان ثبت و درج شکایات‌ها از سوی کمیسیون رسیدگی به شکایات‌های انتخاباتی بررسی شود. این درحالی است، که حجم شکایات‌ها زیاد است و اختلافات سیاسی بر سر نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات میان دسته‌های انتخاباتی نیز بیش از حد. محدودیت وقت، تعداد زیاد شکایات‌ها و تنش‌های سیاسی میان دسته‌های انتخاباتی، فشارها بر سر کمیسیون رسیدگی به شکایات‌های انتخاباتی را چند برابر کرده و احتمال رُخ دادن خطاها در جریان بررسی شکایات و رسیدگی به اعتراضات زیاد است. کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی که نقش محکمی انتخاباتی را دارد، با چالش زمانی روبه‌رو است و تحت فشار ناشی از تنش‌های سیاسی قرار دارد. در چنین وضعیتی نتیجه‌ی بررسی‌های این نهاد، هرچه باشد، برای طرف‌های شریک در پروسه قابل قبول نخواهد بود.

دوم: فراتر از این مورد، فشار بیرونی مسئله‌ی جدی دیگر است، که فراروی کار کمیسیون شکایات انتخاباتی قرار دارد. این فشار پس از اظهارنظرهای جان‌بس، سفیر امریکا در افغانستان رنگ و بوی تازه گرفته است. آقای بس که شب چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۱۱ جدی) در یک‌گفت‌وگوی ویژه با شبکه‌ی تلویزیونی «طلوع نیوز» صحبت می‌کرد، تصریح کرد، که نامزد برنده‌ی انتخابات، کم‌تر از یک‌میلیون رأی دارد، به همین خاطر باید به فکر تشکیل یک حکومت همه‌شمول باشد. آقای بس با اشاره به جمعیت بیش از ۳۰ میلیونی افغانستان، رقم اشتراک‌کنندگان در انتخابات ریاست‌جمهوری را پایین خوانده و گفته است، برنده‌ی انتخابات باید به خواسته‌ها، نگرانی‌ها و مخالفت‌های بخش بزرگی از جامعه رسیدگی کند. آقای بس به‌صورت صریح گفته است، که نامزد برنده در انتخابات ریاست‌جمهوری باید در پی تشکیل یک حکومت همه‌شمول باشد، زیرا از حمایت تعداد کثیری از شهروندان افغانستان برخوردار نیست. با توجه به سخنان آقای بس، حکومت آینده به صورت کل از دل انتخابات ششم میزان تشکیل نخواهد شد، بلکه احتمال تکرار شدن تجربه‌ی انتخابات ۲۰۱۴ و شکل‌گیری یک حکومت توافقی دیگر وجود دارد.

سوم: گفت‌وگوهای صلح و اظهارنظرهای ضد و نقیض طرف‌های درگیر، مسئله مهم دیگری است، که روی وضعیت سیاسی و حتا تشکیل حکومت آینده تأثیرگذار است. براساس تحلیل منابع اطلاعاتی، هرگاه مذاکرات صلح میان امریکا و گروه طالبان به نتیجه برسد و پس از آن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی نتیجه‌بخش واقع شود، احتمال شکل‌گیری حکومت موقت بالا است. با توجه به این اطلاعات، کشورهای منطقه و جهان از جمله ایالات متحده‌ی امریکا، با شکل‌گیری حکومت موقت پس از امضای توافق‌نامه‌ی صلح نظر موافق دارد. اکنون با توجه به حجم بالای شکایات‌ها و محدودیت وقت، کمیسیون شکایات انتخاباتی زیر فشار بیشتر تنش‌های سیاسی قرار خواهد گرفت. مضاف بر این، هرگاه بررسی‌ها به درازا بکشد و قبل از اعلام نتیجه‌ی نهایی انتخابات توافق‌نامه‌ی صلح امضا شود، بحث انتخابات به‌خودی‌خود منتفی خواهد شد.

روی هم‌رفته می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد، که انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان با چالش‌های جدی مواجه است. شهروندان کشور نسبت به شفافیت این پروسه بی‌باور هستند، جامعه‌ی جهانی و کشورهای کمک‌کننده میزان اشتراک‌کنندگان را در حدی نمی‌بینند، که از مجرای آن حکومت همه‌شمول تشکیل شود، دسته‌های انتخاباتی نسبت به چگونگی کار نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات معترض‌اند و پروسه‌ی صلح موازی با این پروسه به‌پیش برده می‌شود. با کنارهم گذاشتن این موارد، می‌توان گفت، که نباید به انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان به‌عنوان پروسه‌ی برای گذار مسالمت‌آمیز قدرت دیده شود.

گفت‌وگوهای صلح؛ پروسه‌ی استوار بر خوشبینی‌ها و احتمالات

اسحق‌علی احساس



از سویی هم گمانه‌زنی‌هایی در سطح رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه از جریان رأی‌زنی اعضای رهبری گروه طالبان در پاکستان وجود دارد، که نشان می‌دهد، فرماندهان ارشد این گروه روی کاهش میزان خشونت و نه آتش‌بس در افغانستان به توافق نظر رسیده اما ملا هیبت‌الله، رهبر این گروه در این زمینه تصمیم نگرفته است.

و طالبان، قرار است از سر گرفته شود و در این طرف امریکا اعلام آتش‌بس و کاهش خشونت از سوی طالبان را به‌عنوان پیش شرط ازسرگیری مذاکرات اعلام کرده، نشانه‌های اعمال نفوذ پاکستان و به‌ویژه سازمان استخباراتی این کشور (آی‌اس‌آی) بر گروه طالبان پدیدار شده است.

با توجه به این مسئله، هرگاه پاکستان را یکی از واقعیت‌های پشت صحنه‌ی جنگ افغانستان در نظر بگیریم و طالبان را به‌مثابه‌ی گروه نیابتی این کشور در افغانستان، پروسه‌ی صلح افغانستان بر خلاف خوشبینی‌های موجود در آینده روزگار دشوار و سرنوشت پرچالشی خواهد داشت. تجربه نشان داده است، که پاکستان همواره به دنبال شکل‌گیری یک‌حکومت دست‌نشانده در افغانستان بوده و در مسئله‌ی افغانستان خواست‌های مشخص داشته است. این کشور در گفت‌وگوهای صلح افغانستان، هیچ‌زمانی دست از دنبال کردن منافع و سیاست کلان و تاریخی‌اش در امور افغانستان بر نخواهد داشت، مگر این‌که حکومتی برآمده از درون توافق صلح، تحت نظر و هم‌سو با پاکستان باشد و در مورد خط دیورند، نقش هند و مسایل دیگر دیدگاه واضح و هم‌نوا با دولت مستقر در اسلام‌آباد داشته باشد. آن‌چه تا کنون در گفت‌وگوهای صلح با آن با محافظه‌کاری برخورد شده است، خواست پاکستان از نتیجه و پیامد این گفت‌وگوها است. پاکستان در صورتی از این مذاکرات پشتیبانی خواهد کرد، که مطمئن شود، حکومت برآمده از دل توافق صلح دیگر سیاست مقابله با این کشور را کنار می‌گذارد و دست از ادعای ارضی نسبت به سرزمین‌های آن‌سوی دیورند بر می‌دارد. هرگاه پاکستانی‌ها تصور کنند، که جریان گفت‌وگوهای صلح به‌سمتی غیر از این خواسته‌ها می‌رود و یا نفس توافق امریکا و گروه طالبان به شکل‌گیری یک‌حکومت جدید در افغانستان نمی‌انجامد، کنار خواهند کشید و به اشکال گوناگون جریان مذاکرات را از مسیر اصلی آن منحرف خواهند ساخت.

با این اوصاف، زود است که مردم و سیاسیون افغانستان با خوشبینی و استوار بر احتمالات، جریان گفت‌وگوهای صلح را دنبال کنند. این مذاکرات برخلاف ظاهر امر با چالش‌های جدی مواجه است و تا رسیدن به امضای موافقت‌نامه‌ی صلح به ترتیبی که منجر به ختم جنگ در افغانستان شود، فرسنگ‌ها فاصله است.

صلح با امریکایی‌ها، تصامیم بزرگ و اساسی بگیرند. معنی این حرف این است، که هیأت گفت‌وگوکننده‌ی طالبان با نمایندگان امریکا به‌تر توافق می‌کنند، این توافقات بدون تأیید رهبری طالبان بی‌ارزش و ای بسا بی‌معنی خواهد بود. پیام این وضعیت روشن است، این‌که مذاکرات صلح تا مشخص شدن موقعیت رهبر گروه طالبان حتا اگر در ظاهر امر و در روی کاغذ میان طرفین درگیر به‌پیش برده شود، در عمل بدون دست‌آورد خواهد بود. از سویی هم گمانه‌زنی‌هایی در سطح رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه از جریان رأی‌زنی اعضای رهبری گروه طالبان در پاکستان وجود دارد، که نشان می‌دهد، فرماندهان ارشد این گروه روی کاهش میزان خشونت و نه آتش‌بس در افغانستان به توافق نظر رسیده اما ملا هیبت‌الله، رهبر این گروه در این زمینه تصمیم نگرفته است. این در حالی است، که برقراری آتش‌بس یکی از دو خواست عمده‌ی ایالات متحده برای ازسرگیری گفت‌وگوهای رسمی با گروه طالبان عنوان شده و گفته شده که طالبان باید برای مذاکرات بین‌الافغانی آتش‌بس اعلام کنند.

در این میان اما آن‌چه در خور توجه است، نقش پاکستان در اتفاقات پشت پرده‌ی گفت‌وگوهای صلح افغانستان است. در گزارش‌های که پیرامون اعلام آتش‌بس و کاهش خشونت‌ها از سوی گروه طالبان در رسانه‌ها نشر می‌شود، آن‌چه برجسته است، نقش اسلام‌آباد به‌مثابه‌ی ناظر بر روند مذاکرات گروه طالبان با ایالات متحده‌ی امریکا است. از سوی هم مفقود شدن رهبر طالبان در زمانی که این گروه از سوی امریکایی‌ها برای اعلام آتش‌بس و کاهش خشونت به‌عنوان پیش شرط ازسرگیری مذاکرات صلح تحت فشار قرار داده شده، اتفاق افتاده که احتمال دست‌داشتن پاکستان در این ماجرا وجود دارد. روی‌هم‌رفته، می‌توان گفت، که مذاکرات صلح میان امریکا و گروه طالبان تا این‌جای کار با خوشبینی‌ها فراوان به‌پیش برده شده است. در حالی که ماجرا آن‌گونه نیست، که طرفین مذاکره‌کننده از آن سخن می‌گویند. واقعیت این است، که پاکستان در پشت صحنه بر جریان مذاکرات مسلط است و تا هنوز طالبان هیچ‌گامی را بدون مشوره‌ی این کشور بر نداشته است.

تفکر دخالت در امور افغانستان از زمان تشکیل پاکستان، یکی از گرایش‌های جدی در سیاست این کشور بوده است. در جریان تاریخ، این سیاست گاه با تند و گاه به شکل نرم و زمانی هم به‌صورت مخفی در قبال افغانستان دنبال شده است. اکنون که مذاکرات صلح میان امریکا

پس از نشر خبرهایی مبنی بر اعلام آتش‌بس موقت از سوی گروه طالبان، اکنون در سطح رسانه‌ها خبرهایی دست‌به‌دست می‌شود، که گویا ملا هیبت‌الله، رهبر طالبان در پاکستان مفقود شده است. خبر مفقود شدن رهبر طالبان پس از آن از سوی رسانه‌ها نشر و همگانی می‌شود، که هیأتی از طرف دفتر سیاسی طالبان در قطر به پاکستان سفر کرد، تا پیرامون چگونگی اعلام آتش‌بس و جزئیات مذاکرات‌شان با اعضای رهبری گروه طالبان و به‌ویژه ملا هیبت‌الله دیدار و مشوره کنند. با این وصف، هرگاه خبر مفقودشدن رهبر گروه طالبان در پاکستان درست باشد، آینده‌ی مذاکرات صلح افغانستان با بلاتکلیفی و ابهام مواجه خواهد شد و شکی نیست که این گفت‌وگوها وارد فصل جدید و تازه‌ای شود.

از سویی هم، یک دیپلمات امریکایی در کابل به یکی از رسانه‌ها گفته است، که تا چند روز دیگر زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی این کشور در امور صلح افغانستان، برای روشن شدن موضع رسمی گروه طالبان در مورد «آتش‌بس و کاهش خشونت» وارد قطر خواهد شد. این دیپلمات هم‌چنان افزوده است، که تاریخ از سرگیری مذاکرات رسمی ایالات متحده امریکا با گروه طالبان پس از روشن شدن موقف طالبان، مشخص می‌شود. این دیپلمات کاهش خشونت و برقراری آتش‌بس از سوی گروه طالبان را دو خواست جدی امریکا برای از سرگیری مذاکرات عنوان کرده و گفته تا زمانی که گروه طالبان به‌کاهش خشونت‌ها در افغانستان توافق نکنند، مذاکرات ایالات متحده‌ی امریکا با این گروه از سر گرفته نخواهد شد. این در حالی است، که طالبان از ادامه‌ی تلاش‌ها روی طرح کاهش خشونت‌های جنگی در کشور خبر داده و اعلام کرده است، که تا هنوز تصمیم نهایی در مورد اعلام آتش‌بس گرفته نشده است.

بررسی این دو خبر و موضع‌گیری نشان می‌دهد، که مذاکرات صلح میان ایالات متحده‌ی امریکا و گروه طالبان، بر خلاف خوشبینی‌های که نسبت به این پروسه وجود دارد، دست کم در کوتاه‌مدت با چالش‌های جدی مواجه است. هرگاه خبر مفقودشدن ملا هیبت‌الله، رهبر گروه طالبان درست باشد، طالبان در شرایط کنونی با خلا تصمیم‌گیری در سطح رهبری مواجه شده است. حداقل فرماندهان و اعضای رهبری این گروه نمی‌توانند، در غیابت رهبرشان، در پیوند به مذاکرات

انتخابات ریاست جمهوری؛ پروسهی جنجالی و پُر ماجرا

امیرپناهیان



اما طرفداران نظریه‌ی دموکراسی نیز در آن زمان کم نبود. ژان ژاک روسو، اولین نظریه‌پرداز قرار داد اجتماعی در دو سطح (علمی و عملی) از دموکراسی حمایت نموده و آن را تنها راهکار جلوگیری از توتالیتریزم سیاسی برای جوامع بشری عنوان می‌کرد.

در صفت‌بندی ساختار اداری_تشکیلاتی با موانع چون عدم مشروعیت و نبود میکانیزم شفاف حساب‌دهی برای مردم روبه‌رو بود. قبل از قرون وسطی در قرن حجر نیز برخی از نظام‌های سیاسی با دیدگاه‌های فرد انگاری و دیکتاتوری وجود داشت. پس از انقلاب کبیر فرانسه و فروپاشی ساختار سیاسی کلیسا، مفهوم مردم‌سالاری برای اولین بار جایگاه جهانی و حقوقی پیدا کرد.

در اوایل رنسانس مردم به طرف حضور عمومی و توجه به اکثریت رفتند. دموکراسی به شکل نسبتی جدیدی آن در قرن ۱۸ میلادی در اروپا شکل و ریشه یافت. در آن زمان نیز بسیاری از تئوری‌پردازان علم سیاست مخالف این نظام بودند و آن را حاکمیت مطلق نادان بر مجموعه‌ی خردمندان یاد می‌کردند (ارسطو). توماس هابز، نظریه‌پرداز معروف ریالیستی، در دیدگاه‌های

انتخابات در نظام‌های دموکراتیک یک اصل کلی و غیرقابل تفکیک می‌باشد. نظام‌های مردم‌سالار برای تعیین نقش و جایگاه مردم در ساختارهای تصمیم‌گیری، نیازمند برگزاری انتخابات است. دموکراسی هرچند با ادعاهای زیاد وارد دنیای سیاست جهانی گردید و کشورهای مختلف با در نظر داشت ظرفیت‌ها و توانایی‌های مردمی و سیاسی‌اش به این نظام رو آوردند، اما این نظام سیاسی مانند دیگر نظام‌ها دچار مشکلات ساختاری و تیوریک در بخش تقسیم برابر قدرت سیاسی و توزیع عادلانه‌ی ثروت ملی می‌باشد. قبل از قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی، در دوران قرون وسطی، نظام‌های توتالیتر با برداشتهای هژمونیک در رأس هرم قدرت سیاسی جهان قرار داشت. این نظام‌ها به‌رغم مشکلات جدی

یکی از موارد تنش‌ها، ادعای دولت کابل مبنی بر حضور لانه‌های تروریستی در خاک پاکستان و استفاده‌ی دولت این کشور از این نیروهای علیه منافع ملی افغانستان بوده، که در سال‌های اخیر سطح این تنش‌ها را افزایش داده است. کابل مدعی است، که پاکستان عامل ناامنی و بی ثبات در سطح منطقه، مخصوصن افغانستان می‌باشد. اما این ادعاها از سوی مقامات اسلام‌آباد توطئه‌ی سیاسی علیه نظام و حاکمیت پاکستان عنوان شده و همیشه رد گردیده است. اما سازمان ملل متحده هیچ‌گاهی توجه عمیق و استراتژیک پیرامون این تنش‌ها ننموده، در حالی که مفاد ماده‌ی یک منشور این سازمان به‌صورت واضح تأکید بر حمایت از همکاری کشورها داشته و زمینه‌سازی آن را از وظایف اصلی سازمان ملل متحد شمرده است.

۴- حقوق بشر؛ یکی دیگر از اقدامات سازمان ملل متحد در افغانستان، حمایت از حقوق بشر در قالب کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهادهای غیردولتی و بین‌المللی در افغانستان بوده است. در ۱۸ سال اخیر متأسفانه آمار قربانیان غیرنظامی در جنگ‌های افغانستان به بلندترین سطح خویش رسیده و سازمان ملل متحد نتوانسته است، اقدامات پیش‌گیرانه برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان در کشور انجام دهد. دفتر سازمان ملل متحد در کابل، در مواجهه با تلفات غیرنظامیان و افراد ملکی، همیشه به صدور اعلامیه‌ها بسنده نموده و هیچ اقدام عملی که بتواند سطح این کشتار بی‌رحمانه را در افغانستان کاهش دهد، انجام

سیاسی‌اش همیشه از نظام دموکراسی انتقاد نموده و آن را ابزاری برای قدرت‌گرفتن ثروت‌مندان بر طبقه‌ی فقیر جامعه می‌دانست. به باور هابز، انسان‌ها در حالت طبیعی و به‌دور از ساختارهای چون دولت می‌توانند، به تفاهم اجتماعی برسند. او تأکید داشت، که برای جلوگیری از تنش‌های اجتماعی لازم است، که طبیعت انسان‌ها به معنی واقعی رشد و مورد توجه قرار گرفته تا هیچ نهاد یا ساختاری نتواند به‌صورت مطلق حکومت نماید.

اما طرفداران نظریه‌ی دموکراسی نیز در آن زمان کم نبود. ژان ژاک روسو، اولین نظریه‌پرداز قرار داد اجتماعی در دو سطح (علمی و عملی) از دموکراسی حمایت نموده و آن را تنها راهکار جلوگیری از توتالیتریزم سیاسی برای جوامع بشری عنوان می‌کرد. منتسکیو نیز در کتاب روح‌القوانین‌اش، در تعریف زیست اجتماعی بشر، بر دموکراسی تأکید نموده و تفکیک قوا را که او برای اولین بار وارد ادبیات حقوقی و سیاسی نمود، تنها راه برای جلوگیری از قدرت سیاسی مطلق حاکمان خواند.

با این وجود، دموکراسی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حکومت مردمی تفسیر شده که اکثریت جامعه به آن تمکین نمایند. افغانستان در عصر جدید و پس از توافق تاریخی بُن، ساختار سیاسی‌اش را بر مبنای دموکراسی همگانی تعریف نموده و اکثریت مطلق در تصامیم سیاسی تعیین‌کننده می‌باشد. اما متأسفانه تا کنون در افغانستان دموکراسی به معنی واقعی آن تمثیل نگردیده است.

در کنار مشکلات ساختاری برای تطبیق موازین دموکراسی، نبود اراده‌ی جدی در دولت افغانستان و شرکای بین‌المللی‌اش و نیز عدم درک مردم از ارزش‌ها و مولفه‌های نظام دموکراتیک، از جمله مشکلات فراوری این نظام می‌باشد. انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان، هرچند هنوز نتیجه‌ی نهایی آن اعلام نگردیده است، اما براساس آمارهای اولیه کم‌تر از دو میلیون نفر در آن شرکت نموده است. یکی از ایرادهای جدی در دموکراسی‌های همگانی، نبود سقف مشخص در تعریف اکثریت مطلق است. به این معنی که در این نوع دموکراسی‌ها سقف اشتراک‌کنندگان مشخص نشده تا در تناسب با تعداد نفوس هر کشور، میزان رأی مشروعیت‌دهنده در امر تعیین رییس‌جمهور مشخص گردد. بر همین مبنای، قانون اساسی افغانستان به تبع از کلیت ساختار سیاسی کشور، در ماده‌ی شصت‌ویکم تنها به اکثریت بیش از پنجاه فیصد آرا تأکید کرده و سقف اشتراک‌کنندگان را برای مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی تعیین نکرده است.

در چنین حالت به لحاظ بافت کلیت ساختارهای دموکراسی همگانی، حداقل ثلث نفوس یک کشور می‌باید به یک کاندید مشخص رأی دهد تا آن کاندید برنده‌ی انتخابات گردد. در انتخابات ششم میزان بحث اصلی این است، که آیا با یک میلیون رأی رییس‌جمهور مشروع خواهیم داشت؟ به نظر می‌رسد، که با چنین رأی کم نمی‌توان مشروعیت هیچ‌کسی را توجیه نمود. زیرا افغانستان براساس آمارها نزدیک به ۳۰ تا ۳۲ میلیون نفوس داشته، که تعداد واجدان شرایط رأی‌دهی نزدیک به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد. از این میان اما تنها کم‌تر از دو میلیون نفر رأی داده‌اند، با این وجود رییس‌جمهوری که براساس این آرا به کرسی ریاست‌جمهوری می‌رسد، نمی‌تواند مشروعیت اجتماعی فراگیر داشته و نماینده تمام مردم افغانستان باشد.



بررسی نقش سازمان ملل متحد...

مواد مخدر در طول این مدت، ۷ میلیارد دالر بوده در حالی که تنها در آمد سالیانه از این مواد افیونی، بالغ بر ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دالر تخمین زده می‌شود. در این صورت افغانستان تبدیل به یک کشور مافیایی گردیده که در آن هم کمک‌های جهانی توسط مافیاهای بزرگ حل و هضم می‌شوند و هم کشت و قاچاق مواد مخدر به‌صورت روز افزون توسط مافیاهای بزرگ به خارج از کشور انتقال می‌یابد.

نداده است. هم‌چنان این سازمان در کنار وظایف دیگر به توسعه‌ی افغانستان و ایجاد مسیرهای توسعه‌ی این کشور با سایر کشورهای منطقه و جهان نیز تعهد داشت. افغانستان پس از توافق بُن، تا کنون در صدر کشورهای تولیدکننده‌ی مواد مخدر و قاچاق آن قرار دارد. از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴ براساس گزارش وزیر وقت مبارزه با مواد مخدر در پارلمان، کمک‌های خارجی و کمک سازمان ملل به دولت افغانستان در راستای مبارزه با

«چگونگی فرستادن قوای نظامی اتحاد شوروی به افغانستان»

«در مورد فرستادن قوای اتحاد شوروی به افغانستان، دو مرحله را باید مد نظر گرفت:

۱- تقاضاهای مکرر از جانب نورمحمد تره‌کی و حفیظ الله امین برای فرستادن واحدهای نظامی اتحاد شوروی به افغانستان و تردد و دو دلی اولیه‌ی رهبری اتحاد شوروی در این مورد.

۲- تصمیم رهبری اتحاد شوروی در ۱۲ ماه دسامبر ۱۹۷۹ و فرستادن اردوی ۴۰ به افغانستان.

در مورد اولی باید گفت: زمانی که بعد از ۲۴ حوت ۱۳۵۷، مطابق ۱۵ مارچ ۱۹۷۹، اوضاع در افغانستان به‌شدت وخیم گردید و مردم شهر هرات و اطراف آن از روستاها علیه دولت دست به شورش و قیام زدند و عده‌ای از افسران فرقه‌ی ۱۷ هرات نیز با آن‌ها یک‌جا شدند و عملن کنترل شهر را به‌دست گرفتند، رهبری افغانستان و اتحاد شوروی را تشویش جدی فرا گرفت و در مورد آینده‌ی رژیم نگران شدند؛ زیرا مناطق هم‌جوار دیگر از قبیل نیمروز، فراه، بادغیس و غور نیز تحت تأثیر این قیام، دست به شورش‌ها در مقابل دولت زدند.

مطابق اسناد نشرشده‌ی موثق حزب کمونیست اتحاد شوروی، نورمحمد تره‌کی بعد از شورش هرات مستشار نظامی و کارمند عالی‌رتبه‌ی سفارت اتحاد شوروی در کابل را نزد خود احضار نموده و از وی تقاضا به‌عمل آورده بود تا علاوه بر تهیه‌ی عاجل تجهیزات نظامی، اتحاد شوروی قوت‌های زمینی و هوای نظامی به افغانستان بفرستند، تا در سرکوب شورشیان کمک نمایند. به تعقیب آن، روز ۱۷ مارچ ۱۹۷۹، بیروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی بنابر دستور برژنف در غیاب وی، جلسه نمود و روی اوضاع به‌وجود آمده صحبت و تصامیم اتخاذ نمود. بوریس گروموف، قوماندان اردوی ۴۰ اتحاد شوروی در افغانستان در کتاب «ارتش سرخ در افغانستان» که ترجمه‌ی آن به فارسی از جانب عزیز آریانفر صورت گرفته، بسیاری فیصله‌ها و اسناد سری بیروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صحبت‌های رهبری اتحاد شوروی را که با نورمحمد تره‌کی و حفیظ الله امین انجام داده‌اند، به‌نشر سپرده است. قسمت‌هایی از صحبت تلفنی کاسیگین با تره‌کی را که بعد از حوادث هرات به کمک مترجم صورت گرفته و در این کتاب در صفحات ۱۷ الی ۲۴ به‌نشر رسیده خدمت خوانندگان محترم تقدیم می‌نمایم:

«کاسیگین: به‌رفیق تره‌کی بگوئید من می‌خواهم از سوی رفیق برژنف و اعضای دفتر سیاسی به‌وی دروهای فراوان بفرستم.

تره‌کی: بسیار سپاس گزارم. کاسیگین: سلامت باشید رفیق تره‌کی، بسیار خسته نباشید.

تره‌کی: نه، من خسته نمی‌شوم، امروز جلسه‌ی شورای انقلابی بود.

کاسیگین: بسیار خوب است، خیلی شادمانم. رفیق تره‌کی ممکن است اوضاع افغانستان را شرح دهید. تره‌کی: اوضاع خوب نیست. رو به‌خرابی دارد. طی یک‌ماه‌ونیم گذشته، از سوی ایران نزدیک به ۴ هزار نفر نظامی با لباس غیرنظامی به افغانستان فرستاده شده‌اند. حالا تمام لشکر ۱۷ پیاده به علاوه‌ی واحدهای توپ‌خانه و دفاع هوایی که به‌وروی هواپیماهای ما آتش گشوده‌اند، در دست آنان است.

در شهر، جنگ در جریان است.

کاسیگین: آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ تره‌کی: ما معتقد هستیم که مخالفان، واحدهای تازه‌ای را تشکیل داده و به‌پیشروی ادامه خواهند داد.

کاسیگین: شما نیرو ندارید که آنان را شکست بدهید؟

تره‌کی: کاش می‌داشتیم.

کاسیگین: شما در رابطه به این مسئله، چه پیشنهادهایی دارید؟

تره‌کی: ما خواهش می‌کنیم که شما به ما کمک‌های عملی، انسانی و تسلیحاتی کنید.

کاسیگین: این مسئله، خیلی دشوار است.

تره‌کی: در غیر این صورت شورشیان به‌سوی قندهار حرکت کرده و پس از آن به‌سوی کابل خواهند آمد. افغان‌هایی که به‌پاکستان گریخته‌اند، هم خواهند آمد. ایران و پاکستان روی یک‌برنامه بر ضد ما عمل می‌کنند. به‌همین خاطر، اگر حالا شما به‌هرات ضربه‌ی کاری وارد بیاورید، ممکن است، انقلاب را نجات بدهیم.

کاسیگین: جهانیان همه از این کار آگاه خواهند شد. شورشیان دستگاه‌های مخابره دارند، آن‌ها فورن اطلاع خواهند داد.

تره‌کی: تنها می‌کنم، کمک کنید...»

منبع: از پادشاهی مطلقه‌ی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، عبدالوکیل، انتشارات عازم، جلد اول، چاپ دوم، صص ۴۰۷-۴۰۹

بررسی نقش سازمان ملل متحد در افغانستان

پایه‌ی اصلی دموکراسی در حال رشد می‌باشد.

افغانستان در سال ۱۹۴۶ میلادی عضویت رسمی سازمان ملل متحد را گرفته و تمام مواد این سازمان را مورد تأیید قرار داد. پس از توافق بن و تشکیل دولت ملت، براساس پارادیم‌های جدید و ارزش‌های مدرن حکومت‌داری، سازمان ملل متحد در بخش‌های مختلف در افغانستان کار نموده است. در این جا لازم است، مرور اجمالی پیرامون فعالیت‌های سازمان ملل متحده در افغانستان داشته باشیم.

۱- صلح و همدیگری‌پذیری؛ صلح و ایجاد بسترهای مناسب برای تعامل اجتماعی از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین مولفه‌های مورد توجه سازمان ملل متحد بوده، که در ماده‌ی اول منشور این سازمان تحت عنوان «اهداف عالی‌ی» سازمان تأکید شده است. سازمان ملل متحد پس از توافق بن، در افغانستان تلاش کرد تا گفت‌وگو غالب صلح را از سطح مراکز آکادمیک در میدان گفت‌وگو و مذاکره بکشاند. یوناما در تلاش مذاکرات بین‌الافغانی به‌رهبری و مالکیت مردم افغانستان از سال‌های ۲۰۰۳ و پس از آن سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ بود. این سازمان مشوره‌های مقدماتی را در این زمان با طرف‌های مختلف شروع و همگانی ساخت. پس از ایجاد دفتر سیاسی طالبان در قطر، هرچند حکومت وقت افغانستان به رهبری حامد کرزی آن‌را به رسمیت نشناخت اما طالبان در پشت پرده در تلاش ایجاد روابط با ایالات متحده‌ی آمریکا و شرکای بزرگ بین‌المللی دخیل در افغانستان گردید. در این میان نقش یوناما به حیث میانجی این پروسه چندان واضح و جدی نبود، زیرا یوناما می‌خواست مذاکرات با حضور دولت افغانستان و در تعامل با شرکای بین‌المللی انجام شود، اما طالبان و گروه‌های وابسته به امارت اسلامی چنین دیدگاهی نداشتند.

۲- فعالیت‌های سازمان ملل متحد در انتخابات افغانستان؛ سازمان ملل متحد در انتخابات افغانستان نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دخیل بود. یوناما در تلاش بود تا میکانیزم‌ها و سنجه‌های مدیریتی را برای کارمندان افغانستانی انتخابات، آموزش داده تا آنان قادر به برگزاری انتخابات در دوره‌های بعدی و بدون حضور این نهاد باشند. اما متأسفانه یوناما به رغم امکانات گسترده‌ی مالی توانست، سیستم شفاف و پاسخ‌گو برای تنظیم امور انتخابات افغانستان طراحی و ایجاد نماید. یوناما در اوایل پروسه‌ی انتخابات، امکانات گراف مالی برای استخدام کارمندان، تهیه‌ی ترانسپورت آنان، تهیه‌ی مواد انتخاباتی و نیز آموزش‌های حرفوی و تخنیک‌ی برای ارتقای ظرفیت کارمندان به‌مصرف رساند، که نتیجه‌ی مثبت برای بهبود شفافیت در پروسه‌ی انتخابات و ارائه‌ی چارچوب‌های حقوقی مدون برای تضمین عدالت انتخاباتی، در پی نداشته است.

۳- سازمان ملل متحد و همکاری‌های منطوقی؛ سازمان ملل در کنار همه‌ی اهداف خود از همکاری‌های منطقه‌ای در افغانستان اعلام حمایت نموده و تأکید کرد، که دولت کابل باید در ایفای نقش خود در قلب آسیا جهت توسعه‌ی همکاری‌های منطقه‌ای فعال شود. اما پس از شروع فعالیت دفتر نمایندگی این نهاد در کابل، افغانستان که سابقه‌ی طولانی تنش با کشور مرزی و همسایه خویش (پاکستان) دارد، با حضور یوناما نه تنها این تنش‌ها کاهش نیافت، بلکه بیشترین سطح آن‌را در سال‌های اخیر شاهد بودیم. افغانستان بیشترین مرز خاکی را با کشور پاکستان دارد، در کنار آن مشترکات فرهنگی، دینی، مذهبی، زبانی و عرفی نیز از مواردی اند، که افغانستان و پاکستان را در کنار هم به‌عنوان دو کشور با مشترکات فرهنگی فراوان قرار داده، اما سطح تنش‌ها میان این دو کشور هم‌چنان رو به افزایش است. سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد بی‌طرف بین‌المللی توانسته است، میزان این تنش‌ها را به حداقل رسانده و زمینه‌ی تعامل منطقه‌ای را در سطوح برجسته‌ی آن ایجاد نماید.

(ادامه در صفحه ۳)

پس از ایجاد دفتر سیاسی طالبان در قطر، هرچند حکومت وقت افغانستان به رهبری حامد کرزی آن‌را به رسمیت نشناخت اما طالبان در پشت پرده در تلاش ایجاد روابط با ایالات متحده‌ی آمریکا و شرکای بزرگ بین‌المللی دخیل در افغانستان گردید. در این میان نقش یوناما به حیث میانجی این پروسه چندان واضح و جدی نبود، زیرا یوناما می‌خواست مذاکرات با حضور دولت افغانستان و در تعامل با شرکای بین‌المللی انجام شود، اما طالبان و گروه‌های وابسته به امارت اسلامی چنین دیدگاهی نداشتند.



محمد نسیم نظری

توبی لنزر، معاون دفتر یوناما در کابل نیز به‌نقش محوری و تأثیرگذار سازمان ملل متحد در افغانستان اشاره نموده و آن‌را دست‌آورد بزرگ برای یوناما و مردم افغانستان خواند. به باور آقای لنزر، دفتر بخش‌های حمایتی، توسعه‌ی حقوق بشر و حقوق زنان، کارهای موثری را انجام داده است. او خاطر نشان کرد، که امروزه بیشتر از ۷ میلیون کودک در افغانستان به مکتب می‌رود، زنان در بخش‌های اداری و ساختار دولتی فعالیت دارند، رسانه‌ها و مطبوعات گسترش چشم‌گیر یافته و حقوق شهروندی به‌عنوان پایه‌ی اصلی دموکراسی در حال رشد می‌باشد.

گسترده بوده و پروسیجر مشخص برای مدیریت هزینه‌ها و نیز تهیه‌ی مواد انتخاباتی در آجندای یوناما وجود نداشت. او به صراحت تأکید کرد، که یوناما در بخش عدم بهبودسازی کارهای نظارتی و شفافیت در پروسه‌ی انتخابات نقش داشت. او گفت: «من می‌توانم به صراحت برای تان بگویم، که یوناما از امکانات مالی برای امور انتخابات به‌صورت جدی مدیریت نکرد و حتی در برخی موارد کم‌کاری نیز نمودند. یک نمونه از کم‌کاری این نهاد، کارت هویت رأی‌دهندگان بود، که هیچ دیتابیس و سیستم مرکزی برای شناسایی هویت افراد رأی‌دهنده و تثبیت آن‌ها نداشت؛ من به‌عنوان مسوول انتخابات افغانستان در آن زمان تأکید کردم، که به‌جای هزینه‌های اضافی در مسایل ترانسپورتی و تهیه‌ی مواد انتخاباتی بهتر است، بخشی از امکانات مالی به دیجیتال‌سازی و ایجاد سیستم الکترونیکی به‌منظور تضمین شفافیت در پروسه‌ی انتخابات، اختصاص یابد اما در آن زمان متأسفانه این درخواست از سوی یوناما و نهادهای دوزیر پذیرفته نشد.»

هم‌چنین عبدالقیوم سجادی، عضو مجلس نمایندگان و سخنرانان دیگر این محفل، به تئوری‌های مطرح‌شده پیرامون سازمان ملل متحد اشاره نموده، تأکید کرد، که سازمان ملل متحد و به تبع آن دفتر نمایندگی این نهاد در افغانستان در بخش‌های انکشافی و خدمات اجتماعی به‌صورت نسبی پیشرفت داشته است اما بخش سیاسی این نهاد نتوانسته است، در شرایط مختلف، بی‌طرفی خویش را به‌عنوان نهاد بین‌المللی ناظر و صلح‌طلب، در قضایای افغانستان حفظ نماید. به گفته‌ی او، این نهاد در بخش سیاسی تحت تأثیر قدرت هژمونی‌خواهی قرار گرفته و براساس سلاقی کشورهای کمک‌کننده و نیز قدرت‌های بزرگ عمل نموده است. آقای سجادی تأکید نمود، که سازمان ملل متحد به‌منظور اهداف صلح طلبانه و تشریک مساعی مشترک کشورها در سطح جهان تشکیل‌گرفته و بهتر است، این نهاد براساس مصلحت جهانی، حفظ حقوق شهروندی، گسترش ارزش‌های دموکراسی و مردم‌سالاری و نیز حفظ آزادی‌های مدنی و سیاسی در کشورها تصمیم‌گیری نموده و تابع خواہشات هیچ ابر قدرت جهانی در هیچ سطحی قرار نگیرد.

پس از آن محمود صیقل، نماینده‌ی پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد، از نقش توسعه‌ی و حقوق بشری این نهاد در افغانستان ستایش نموده و تأکید کرد، که مردم افغانستان در مجموع و نخبگان سیاسی فرهنگی کشور به‌صورت خاص، نباید دست‌آوردها و تلاش‌های همکاران بین‌المللی، مخصوصاً یوناما را در افغانستان نادیده بگیرند. او تصریح کرد، که سازمان ملل متحد به‌عنوان یک نهاد معتبر بین‌المللی با سابقه‌ی درخشان، محدودیت‌های ساختاری و تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست‌ورزی بین‌المللی داشته و باید نخبگان جهان مخصوصاً افغانستان به این مهم توجه نمایند.

توبی لنزر، معاون دفتر یوناما در کابل نیز به‌نقش محوری و تأثیرگذار سازمان ملل متحد در افغانستان اشاره نموده و آن‌را دست‌آورد بزرگ برای یوناما و مردم افغانستان خواند. به باور آقای لنزر، دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان در بخش‌های حمایتی، توسعه‌ی حقوق بشر و حقوق زنان، کارهای موثری را انجام داده است. او خاطر نشان کرد، که امروزه بیشتر از ۷ میلیون کودک در افغانستان به مکتب می‌رود، زنان در بخش‌های اداری و ساختار دولتی فعالیت دارند، رسانه‌ها و مطبوعات گسترش چشم‌گیر یافته و حقوق شهروندی به‌عنوان

پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۱۲ جدی) انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، کنفرانس علمی را پیرامون «نقش سازمان ملل متحد در افغانستان» دایر نموده بود، که در آن شخصیت‌ها و چهره‌هایی با تجربه در زمینه‌ی کار با سازمان ملل متحد در افغانستان و نیز همکاران این نهاد در بخش‌های توسعه‌ی و تحکیم حقوق بشر اشتراک نموده بودند. دکتر داوود علی نجفی، کارمند سابق نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) و رییس پیشین دبیرخانه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، کارکرد سازمان ملل متحد را در امور انتخابات افغانستان ضعیف توصیف نموده و آن‌را مملو از اشتباهات تخنیک‌ی و کارکردی عنوان نمود. آقای نجفی افزود، که یوناما به حیث تمویل‌کننده‌ی انتخابات افغانستان در اوایل تشکیل حکومت جدید پس از توافق بن، نقش مستقیم در تمامی امورات انتخابات افغانستان داشت، این نقش تا برگزاری اولین انتخابات پارلمانی در کشور هم‌چنان برانزده و جدی بود. او از دفتر مشترک تنظیم امور انتخابات یاد نموده و تصریح نمود، که یوناما در همه‌ی مسایل انتخابات نقش محوری داشته و حتی در تعیین و انتصاب کارمندان و امور تدارکاتی نیز دخالت‌های واضح داشت. به باور او، دفتر مشترک تنظیم امور انتخابات در حالی که براساس مواد توافق‌نامه‌ی بن، برای مشوره‌دهی با کارمندان افغانستان ایجاد گردیده بود، اما این دفتر به‌صورت مستقیم تمامی مسایل مربوط به انتخابات را مدیریت می‌کرد.

او افزود که پس از ختم دوره‌ی کاری دفتر مشترک تنظیم امور انتخاباتی، براساس قانون اساسی افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات مسوولیت مستقیم انتخابات را به‌عهده گرفته و یوناما صرفن همکاری مشورتی با اعضای این نهاد داشت. او افزود که حتی پس از تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات، خارجی‌ها در تلاش بودند تا امور انتخابات را مدیریت نموده و کمیسیون مستقل انتخابات نقش سمبولیک در پروسه‌ی انتخابات داشته باشد. او گفت: «چون یوناما قبلاً نقش محوری داشت؛ پس از ایجاد کمیسیون مستقل انتخابات نیز در تلاش بود تا نقش محوری و اصلی در امور انتخابات افغانستان داشته باشد». به باور این عضو پیشین کمیسیون مستقل انتخابات، یوناما در برخی موارد به‌صورت سلیقه‌ای و بدون هماهنگی با کمیسیون مستقل انتخابات در امور انتخابات مداخله می‌کرد. او تصریح کرد؛ امکاناتی که یوناما برای انتخابات افغانستان مصرف نمود، بسیار